

تاملی در شیوه مشهور اقامه نماز عید فطر و قربان

مهدی ازادپرور¹ محمد فایزی²

¹ عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) mehdiazadparvar@gmail.com

² حوزه علمیه قم m.faezi110@gamil.com

نویسنده مسئول: mehdiazadparvar@gmail.com

تاریخ دریافت: 1403/12/24 تاریخ پذیرش: 1404/04/13

چکیده

نماز عید فطر و قربان از نمازهای مورد توجه عموم مسلمانان جهان است. بنا بر نظر مشهور علمای معاصر این نماز در دو رکعت خوانده می‌شود و در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد. با مراجعه به روایات متعدد وارد شده در این باب و بررسی دلالی و سندی آن‌ها معلوم می‌شود این شیوه صحیح نبوده بلکه روش صحیح انجام چهار قنوت در رکعت اول و سه قنوت در رکعت دوم می‌باشد. همچنین بررسی کلمات فقهای گذشته و برخی از اعلام معاصر مشخص نشان می‌دهد که اجماعی در مساله وجود نداشته و تنها راه حل مساله مراجعه به روایات می‌باشد. علاوه بر این با مراجعه به اقوال اهل سنت مشخص می‌شود که شیوه مذکور (چهار قنوت در رکعت اول و سه قنوت در رکعت دوم) مخالف طریق اهل سنت بوده و احتمال تقیه ای بودن روایات دال بر آن نیز وجود ندارد.

کلیدواژه: نماز، عید فطر، عید قربان، قنوت

مقدمه

یکی از مهمترین اعمال عبادی مسلمانان نماز است که قسم‌ها و نوع‌های مختلفی دارد. نماز عید سعید فطر و قربان، از نمازهایی هستند که مورد توجه عموم مسلمانان در زمان حاضر است و نماز عید سعید فطر بعد از ماه مبارک رمضان با شکوه خاصی در همه‌ی جهان اسلام اقامه می‌شود. این نماز در زمان نبی مکرم اسلام اقامه می‌شده است. بنابر نظر شیعه، خواندن این نمازها در زمان غیبت مستحب است. کیفیت مشهور خواندن این دو نماز به این صورت است که در دو رکعت خوانده می‌شوند و در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت در آن‌ها گزارده می‌شود. به نظر می‌رسد به سبب مستحبی بودن این نمازها در زمان حاضر، این نحوه خواندن مسلم فرض شده است و کاوش فقهی جدی در بیشتر کتب فقهی بلکه دروس خارج نسبت به چگونگی خواندن این نمازها صورت نگرفته است. شاهد آنکه مقرر درس محقق خویی در ابتدای فصل صلاه عید فطر و قربان بیان می‌کند که استاد شرح این مسئله را بیان نکردند زیرا عادت ایشان این است که ابواب مستحبات را شرح نمی‌دهند. (خوئی، 1418ق، ج 19، ص 308) شاهد دیگر اینکه مرحوم حکیم در کتاب مستمسک العروة بعد از بحث خلل در جلد هفتم و جلد هشتم این کتاب، ده فصل از فصول مستحبات کتاب عروه را رها کرده و وارد بحث صلاه مسافر می‌شوند. (حکیم، 1416ق، ج 7، ص 677 و ج 8، ص 3) همچنین صاحب کتاب تعالیک مبسوطه علی العروه الوثقی بعد از پایان بحث خلل تا اول بحث صلاه مسافر هیچ تعلیقی بر متن عروه نمی‌زند و به ذکر متن عروه اکتفا می‌کند. (فیاض، بی تا، ج 4، ص 297 تا 315) در هر صورت اهمیت مستحبات و آداب اسلامی اقتضاء دارد به کارهای علمی و پژوهشی در این بخش از معارف اسلامی بیشتر اهمیت داده شود.

با توجه به اهمیت موضوع و این که نحوه مشهور اقامه نماز عید فطر در دوران حاضر با برخی روایات و برخی نظرات علمای گذشته سازگار نیست، و از طرفی آنچنان که شایسته مطلب است در مباحث فقهی به این مطلب پرداخته نشده است، بررسی دوباره روایات و نظرات علما که پیرامون کیفیت این نماز بیان شده، بسیار ضروری است. در این نوشتار به تبیین همه‌ی نظرات مطرح شده می‌پردازیم و کیفیت مشهور مورد قبول علمای حاضر را نقد می‌کنیم.

1- اقوال معاصرین

مشهور علمای معاصر قائل به این هستند که نماز عید فطر 9 قنوت دارد که 5 قنوت در رکعت اول و 4 قنوت دیگر در رکعت دوم است. این نظر توسط مرحوم سید در کتاب عروه بیان شده است¹ (یزدی طباطبایی، 1419ق، ج3، ص396) و در چایی که با تعلیقه پانزده تن از علمای معاصر است هیچ یک از محشین عروه حاشیه ای بر متن نزده اند و در ظاهر کلام سید رحمه الله را قبول کرده اند. یعنی می توان این قول را به آنها نسبت داد. (همان) این قول در توضیح المسائل مرحوم امام خمینی نیز آمده است. (خمینی، 1424ق، ج1، ص824-825) در ذیل این مساله به غیر از آیت الله سیستانی هیچ یک از دیگر محشین در تعداد قنوت ها اشکالی نکرده اند. یعنی این قول را می توان آیات عظام خوئی، گلپایگانی، اراکی، فاضل لنکرانی، بهجت، تبریزی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، و صافی گلپایگانی نسبت داد. تنها آیت الله سیستانی در مورد تعداد قنوت ها اینگونه فرموده اند:

مسأله نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در هر رکعت بعد از خواندن حمد و سوره سه تکبیر بگوید و بهتر آن است که در رکعت اول پنج تکبیر بگوید و میان هر دو تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از تکبیر پنجم، تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و میان هر دو تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از تکبیر چهارم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد. (همان، ج1، ص825)²

ایشان در منهاج الصالحین خود نیز همین نظر را بیان نموده اند. (منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج1، ص310) این در حالیست که متن منهاج الصالحین مطابق نظر مشهور بوده است³ و ایشان بر خلاف مولف منهاج و همچنین استاد خود مرحوم خویی و سایر محشین منهاج⁴، متن را تغییر داده اند. تنها کسی از معاصرین که موافق آیت الله سیستانی هستند، مرحوم شهید صدر است که فرموده اند قنوت آخر را بنا بر احوط رجاء باید انجام داد.⁵

2- بیان اقوال قدما (بررسی وجود اجماع)

یکی از اموری که باید بررسی شود این است که ببینیم مساله در نزد قدمای اصحاب چگونه بوده است؟ اگر مساله اجماعی و مسلم بوده باشد میتواند این اجماع دلیلی بر این باشد که نماز به همان کیفیت خاص بوده است (واضح است که در فرض وجود اجماع طبق مبانی مختلف شرائط و ضوابط مختلفی برای حجیت اجماع وجود دارد که باید مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد) ولی اگر مساله اختلافی باشد راه رسیدن به قول حق از طریق اجماع مسدود است و نیاز است به بررسی ادله پرداخت.

با مراجعه به آثار علمای سابق مشخص می شود که بر خلاف عصر حاضر که مشهور علما برای رکعت اول 5 و رکعت دوم 4 قنوت ذکر نموده اند، در بین قدمای اصحاب مساله مورد اختلاف بوده است. شیخ صدوق در کتاب المقنع، شیخ طوسی در کتاب المبسوط فی فقه الامامیه و النهایه فی مجرد

¹ و هی رکعتان یقرأ فی الأولى منهما الحمد و سورة، و یکبر خمس تکبیرات عقیب کلّ تکبیره قنوت، ثمّ یکبر للركوع و یرکع و یسجد، ثمّ یقوم للثانیة و فیها بعد الحمد و سورة یکبر أربع تکبیرات، و یقنت بعد کلّ منها، ثمّ یکبر للركوع و یرکع و یسجد، فمجموع التکبیرات فیها اثنتا عشرة: سبع تکبیرات فی الأولى، و هی تکبیره الإحرام، و خمس للقنوت، و واحدة للركوع، و فی الثانیة خمس تکبیرات أربعة للقنوت، و واحدة للركوع

² - این مطلب در حاشیه رساله مرحوم امام بیان شده است.

³ - کیفیتها رکعتان یقرأ فی کل منهما الحمد و سورة، و الأفضل ان یقرأ فی الأولى (الشمس) و فی الثانیة (الغاشیة) أو فی الأولى (الأعلى) و فی الثانیة (الشمس) ثمّ یکبر فی الأولى خمس تکبیرات و یقنت عقیب کل تکبیره و فی الثانیة أربعة و یقنت بعد کل واحدة علی الأحوط فی التکبیرات و القنوتات (منهاج الصالحین (حکیم، 1410ق، ج1، ص362).

⁴ - کیفیتها رکعتان یقرأ فی کل منهما الحمد و سورة، و الأفضل أن یقرأ فی الأولى «و الشمس» و فی الثانیة «الغاشیة» أو فی الأولى «الأعلى» و فی الثانیة «و الشمس» ثمّ یکبر فی الأولى خمس تکبیرات، و یقنت عقیب کل تکبیره، و فی الثانیة یکبر بعد القراءة أربعة، و یقنت بعد کل واحدة علی الأحوط فی التکبیرات و القنوتات (خوئی، 1410ق، ج1، ص256) و وحید خراسانی، 1428ق، ج2، ص284 و تبریزی، 1421ق، ج1، ص258

⁵ - الأحوط أن یؤتی بالقنوت عقیب الأخيرة رجاء فی کلتا الركعتین (منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، ج1، ص362)

الفقه و الفتوی بیان کرده اند که در رکعت اول چهار قنوت و در رکعت دوم سه قنوت خوانده شود. (صدوق، 1415، ص 149 و طوسی 1387ق؛ ج 1، ص 170 و همو، 1400ق، ص 135)

قول دومی که در مسئله وجود دارد مانند قول معاصرین است یعنی در نماز عید باید در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم 4 قنوت خوانده شود. سید مرتضی در جمل العلم والعمل (شریف مرتضی، 1387ق، ص 74)، ابوصلاح حلبی در الکافی فی الفقه (ابوصلاح حلبی، 1403ق، ص 153)، سلار دیلمی در المراسم العلویه و الاحکام النبویه (دیلمی، 1404ق، ص 78)، شیخ طوسی در الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد (طوسی، 1375ق، ص 271)، ابن براج در المذهب (ابن البراج، 1406ق، ج 1، ص 122)، قطب الدین بیهقی کیدری در إصباح الشیعة بمصباح الشریعة (کیدری، 1416ق، ص 102)، عماد الدین طوسی در الوسيلة الی نیل الفضيلة (عماد الدین طوسی، 1408 ص 111)، محقق حلی در المختصر النافع فی فقه الإمامیة (محقق حلی، 1418ق، ج 1، ص 37)، سید بن طاووس در الإقبال بالأعمال الحسنة (سید بن طاووس، 1415ق، ج 1، ص 495) و ابوالکرم عزالدین حمزة بن علی بن زهره معروف به ابن زهره در غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع (حلبی ابن زهره، 1417ق، ص 95) این قول را قبول کرده اند.

ابن ادریس حلی در کتاب مهم خود یعنی السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی اشاره به اختلاف بین علما در مسئله محل بحث می کند. ایشان بیان می کند که در مورد قنوت دو نظر وجود دارد، نظر شیخ طوسی این است که نه قنوت خوانده شود و نظر شیخ مفید این است که هشت قنوت خوانده شود. ابن ادریس بیان می کند که سبب نظر شیخ مفید این است که از نظر ایشان باید بعد از قیام رکعت اول تکبیر گفت و این تکبیر قنوت ندارد بلکه بعد از این تکبیر باید قرائت نماز را خواند. ابن ادریس در پایان بیان می کند که از میان این دو نظر، نظر شیخ طوسی را قبول دارند زیرا این نظر در روایات ظاهرتر است و به این قول فتوا داده شده است. (ابن ادریس حلی، 1410ق، ج 1، ص 316) سخنان ابن ادریس از این جهت که او تصریح به وجود اختلاف (وعدم وجود اجماع در مساله) می کند، حائز اهمیت است، هر چند که بر خلاف فرمایش او که بیان کرد که در این مساله دو قول وجود دارد، در این مسئله سه قول وجود دارد. قول سوم از شیخ مفید در کتاب المقنعة است. ایشان در این کتاب بیان می کنند که در نماز عید فطر باید پنج قنوت در رکعت اول و سه قنوت در رکعت دوم خوانده شود. (مفید، 1413ق، ص: 194)⁶

3- جمع بندی کلام متقدمین:

از مجموع کلماتی که در سابق بیان شد معلوم می شود که تعداد قنوت های نماز عید، مساله اجماعی و از مسلمات نیست بلکه مورد اختلاف بین اصحاب است هر چند قول مشهورتر این است که در رکعت اول 5 قنوت و در رکعت دوم 4 قنوت انجام گیرد. در کتاب حدائق الناضرة به درستی به این اختلاف اشاره شده است و بعد از اعتراف به اینکه مستفاد از روایات قول اول (یعنی چهار قنوت در رکعت اول و سه قنوت در رکعت دوم) است، سعی شده بین روایات و کلمات وجه جمعی بیان شود. ایشان بیان می کنند که می توان بین دو تکبیر بودن که در روایات است⁷ را بر اغلب حمل کرد به این معنا که چون اکثر قنوت ها بین تکبیرها هستند، پس بر قنوت آخر هم بینیت صادق است و این اطلاق مجازی است. نتیجه این سخن این است که قنوت پنجم رکعت اول و قنوت چهارم رکعت دوم نیز باید خوانده شود. (بحرانی، 1405ق، ج 10، ص 257) در ادامه مشخص می شود که این وجه جمع صحیح نیست و مرحوم بحرانی نیز خود به آن جازم نیست زیرا ایشان در پایان بیان می کند که احتیاط این است که قنوت پنجم و چهارم بدون اعتقاد به وجوب آن خوانده شود. (همان، ج 10، ص: 258)

4- بررسی روایات مسئله

با توجه به آنچه گذشت مشخص می شود برای پاسخ گویی به این مساله باید به روایات مراجعه شود، به همین سبب در ادامه به بررسی سندی و دلالتی روایات می پردازیم و تلاش می کنیم قول صحیح را از روایات استخراج کنیم.

⁶ - این اختلاف قول در علمای بعد نیز وجود دارد ولی از آن جا که در بحث بررسی اجماع قول متقدمین مهم است و عدم وجود اجماع در میان ایشان برای نفی اجماع کفایت میکند، به بررسی دیگر اقوال نمی پردازیم. برای اطلاع از اقوال فقیهان دیگر مراجعه شود به: (علامه حلی، 1420، ج 1، ص 283؛ عاملی (شهید اول)، 1410، ص 41؛ عاملی (شهید ثانی)، 1413، ج 1، ص 251؛ عاملی، محمد بن علی موسوی، 1411، ج 4، ص 311؛ فاضل هندی، 1416، ج 4، ص 311؛ عاملی، سید جواد بن محمد، ج 8، ص 590؛ حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ج 3، ص 28؛ ج 11، ص 360)

⁷ - در روایت بیان شده است که قنوت بین دو تکبیر است. این روایات در ادامه به صورت مفصل بیان می شود.

1/5- مستندات قول اول:

در ابتدا روایاتی را بیان می‌کنیم که مستند قول اول است که بنا بر این قول در رکعت اول چهار قنوت و در رکعت دوم سه قنوت خوانده می‌شود. اولین روایت از کتاب شریف اصول کافی است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ قَالَ يُكَبِّرُ ثُمَّ يَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ خَمْسًا وَيَقْنُتُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ ثُمَّ يُكَبِّرُ السَّابِعَةَ وَيَرْكَعُ بِهَا ثُمَّ يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فِي الثَّانِيَةِ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا فَيَقْنُتُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ ثُمَّ يُكَبِّرُ وَيَرْكَعُ بِهَا. (کلینی، 1407ق، ج 3، ص: 460)

ظاهر این روایت همانطور که واضح است این است که در رکعت اول 4 قنوت و در رکعت دوم 3 قنوت خوانده شود. در سند این روایت دو نفر مورد بحث و اشکال هستند، یکی محمد بن عیسی بن عبید است که ضعف او از کلام ابن ولید (نجاشی، 1407ق، ص 348) استظهار شده است. همچنین شیخ رحمه الله در کتب خود ایشان را تضعیف نموده است (طوسی، 1356ق، ص 402 و رجال الطوسی 1373ش، 391 و 448) ولی تحقیق آن است که ایشان ثقة است زیرا از یک طرف کلام مرحوم نجاشی حاکی از آن است که تسالم بر وثاقت و جلالت ایشان وجود داشته است (نجاشی، 1407ق، ص 333) و ابن نوح نیز ایشان را توثیق نموده است (همان، ص 348) و برای این توثیق مویدات متعددی مانند آنچه از فضل بن شاذان نقل شده است وجود دارد و همچنین مشمول عده ای از توثیقات عامه می‌باشند (مانند اکثر روایات اجلاء) و تنها مشکل در توثیق ایشان این است که شیخ رحمه الله در کتب خود ایشان را تضعیف نموده است که به نظر میرسد همان طور که خود شیخ در فهرست بیان نموده است مستند آن عبارت ابن ولید باشد⁸ در حالی که عبارت ابن ولید تضعیف محمد بن عیسی به حساب نمی‌آید بلکه در خصوص روایت ایشان از یونس به سند منقطع می‌باشد. مرحوم خوبی نیز بعد از بررسی توثیقات و تضعیفات وارد شده به همین امر تصریح می‌کند. (خوئی، 1409ق، ج 18، ص 122)

شخص دومی که مورد اختلاف است علی بن ابی حمزه است که از رؤوس واقفیه می‌باشد. او از طرفی توثیق صریحی ندارد و از طرف دیگر توسط ابن غضائری تضعیف شده است. (ابن الغضائری، 1422ق، ج 1، ص 51) در مورد او به نظر می‌رسد با توجه به روایت بزنی و ابن ابی عمیر و صفوان در موارد متعدد از او، قول به وثاقتش اقوی باشد. همچنین با توجه به قرائن و شواهد باید گفت مشایخ بزرگ مانند یونس که در این روایت از او نقل میکنند قبل از انحراف او روایات را اخذ کرده اند. (مخصوصاً یونس بن عبد الرحمن که از مخالفین سر سخت واقفیه بوده است) (زنجانی، 1419ق، ج 1، ص 190، ج 9، ص 3071) نتیجه آنکه این روایت از جهت سند و دلالت برای قول اول تمام است و با این روایت می‌توان قول اول را ثابت کرد.

روایت دوم، روایتی است که شیخ طوسی در تهذیب بیان کرده اند:

الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَظْطِينَ قَالَ: سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الْعِيدَيْنِ أَوْ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ أَوْ بَعْدَهَا وَ كَمْ عَدَدَ التَّكْبِيرِ فِي الْأُولَى وَ فِي الثَّانِيَةِ وَ الدُّعَاءِ بَيْنَهُمَا وَ هَلْ فِيهِمَا قُنُوتٌ أَمْ لَا فَقَالَ تَكْبِيرُ الْعِيدَيْنِ لِلصَّلَاةِ قَبْلَ الْخُطْبَةِ يُكَبِّرُ تَكْبِيرَةً يَفْتَتِحُ بِهَا الصَّلَاةَ ثُمَّ يَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ خَمْسًا وَ يَدْعُو بَيْنَهُمَا ثُمَّ يُكَبِّرُ أُخْرَى وَ يَرْكَعُ بِهَا فَذَلِكَ سَبْعُ تَكْبِيرَاتٍ بِأَلْتِي افْتَتَحَ بِهَا ثُمَّ يُكَبِّرُ فِي الثَّانِيَةِ خَمْسًا يَقُومُ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَ يَدْعُو بَيْنَهُنَّ ثُمَّ يُكَبِّرُ التَّكْبِيرَةَ الْخَامِسَةَ. (طوسی، 1407ق، ج 3، ص: 132)

دلالت این روایت بر قول اول مانند روایت سابق است و روایت از جهت دلالت مشکلی ندارد. در سند این روایت حسین بن سعید است که از اعظم و بزرگان است (طوسی، 1356ق، ص 149) و همچنین یعقوب بن یظین نیز که در سند روایت وجود دارد، توثیق خاص دارد. (طوسی، 1373ش، ص 369) با توجه به اینکه طریق شیخ به حسین بن سعید بدون اشکال و صحیح است (طوسی، 1407ق، المشیخه، ص 63؛ همو، 1356ق، ص 150)⁹ پس این روایت صحیح است.

⁸ - کان محمد بن الحسن بن الولید یستثنی من روایة محمد بن أحمد بن یحیی ما رواه عن... أو عن محمد بن عیسی بن عبید بإسناد منقطع. (نجاشی، 1407ق، ص 348)

⁹ و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن الحسين بن سعيد فقد أخبرني به الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبید الله و أحمد بن عبدون کلهم عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن أبيه محمد بن الحسن بن الولید و أخبرني به أيضا أبو الحسين أبي جید القمي عن محمد بن الحسن بن الولید عن الحسين بن الحسن بن أبان عن الحسين بن سعيد، و رواه أيضا محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن محمد بن الحسين بن سعيد

سومین روایتی که دلالت بر این قول دارد نیز توسط شیخ در تهذیب بیان شده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُرَوِيِّ عَنْ أَبِيانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ قَالَ يَكْبَرُ وَاحِدَةً يَفْتَتِحُ بِهَا الصَّلَاةَ ثُمَّ يَقْرَأُ أَمَّ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ ثُمَّ يَكْبَرُ خَمْسًا يَقْنُتُ بَيْنَهُنَّ ثُمَّ يَكْبَرُ وَاحِدَةً وَ يَرْكَعُ بِهَا ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ أَمَّ الْقُرْآنِ وَ سُورَةَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى سَبِّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَ فِي الثَّانِيَةِ وَ الشَّمْسِ وَ ضَحَاهَا ثُمَّ يَكْبَرُ أَرْبَعًا وَ يَقْنُتُ بَيْنَهُنَّ ثُمَّ يَرْكَعُ بِالْخَامِسَةِ. (طوسی، 1407ق، ج 3، ص: 132)

گرچه دلالت این روایت بر قول اول تمام است ولی به علت مجهول بودن احمد بن عبد الله القروی روایت ضعیف است و قابل استناد نمی باشد (خوئی، 1409ق، ج 2، ص 141) و تنها موید مطلب است.

2/5- مستندات قول دوم:

بعد از بیان مستند قول اول، به تبیین مستندات قول دوم که همان قول مشهور است می پردازیم. در مقابل طائفه اول که مورد استناد قول اول بود، می توان روایات زیر را به عنوان معارض مطرح نمود. اولین روایت در کتاب شریف وسائل الشیعه نقل شده است به این صورت است:

وَ عَنْهُ (الحسين بن سعيد) عَنْ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْفِطْرِ - فَقَالَ رَكَعَتَيْنِ بَعِيرِ أَذَانٍ وَ لَا إِقَامَةَ - وَ يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَصَلِّيَ قَبْلَ الْخُطْبَةِ - وَ التَّكْبِيرُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى يُكْبَرُ سِتًّا - ثُمَّ يَقْرَأُ ثُمَّ يَكْبَرُ السَّابِعَةَ - ثُمَّ يَرْكَعُ بِهَا فِتْلَكَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ - ثُمَّ يَقُومُ فِي الثَّانِيَةِ فَيَقْرَأُ - فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الْقِرَاءَةِ كَبَّرَ أَرْبَعًا - (ثُمَّ يَكْبَرُ الْخَامِسَةَ) وَ يَرْكَعُ بِهَا - (وَ يَنْبَغِي أَنْ يَتَضَرَّعَ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ وَ يَدْعُو اللَّهَ - هَذَا فِي صَلَاةِ الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى مِثْلَ ذَلِكَ سَوَاءً - وَ هُوَ فِي الْأَمْصَارِ كُلِّهَا إِلَّا يَوْمَ الْأَضْحَى بِمَنْى - فَإِنَّهُ لَيْسَ يَوْمُئِذٍ صَلَاةً وَ لَا تَكْبِيرَ). (حرعاملی، 1409ق، ج 7، ص 439)

این روایت از لحاظ سندی موثق می باشد زیرا در سند روایت زرعه وجود دارد که واقعی است. (نجاشی، 1407ق، ص 176) از جهت دلالتی اشکال روایت این است که قرائت را بعد از شش تکبیر در رکعت اول دانسته است که این مطلب، خلاف فتوای علمای شیعه است. صرف نظر از این مطلب در این روایت ذکر شده است که شایسته است بین هر دو تکبیر تضرع شود و خدای متعال خواند شود که ظاهر آن، همان مطلب قول مشهور می شود یعنی باید 5 قنوت در رکعت اول و 4 قنوت در رکعت دوم خوانده شود (البته طبق این روایت، قنوت های رکعت اول قبل از قرائت می باشند) ولی از آن جهت که به نحو مطلق بیان شده است با روایات طائفه اول نمی تواند معارضه کند. توضیح این که در روایت کلمه تکبیرتین بیان شده است و نصی بر این نیست که همه تکبیرات را شامل می شود و شامل تکبیره الاحرام و تکبیر رکوع هم میشود و احتمال دارد فقط تکبیرات زائدی که در نماز عید اضافه هستند اراده شده است ولی اطلاق دلالت دارد بر اینکه تمام تکبیرات مراد هستند. حال ما از این اطلاق به قرینه روایات سابق دست میکشیم (مقتضای جمع عرفی)

روایت دوم نیز در کتاب وسائل الشیعه بیان شده است:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الرَّازِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ أَبِي مَنصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقُولُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ - اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ... (حرعاملی، 1409ق، ج 7، ص: 468)

این روایت به علت مجهول بودن مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ أَبِي مَنصُورٍ ضعیف است (خوئی، 1409ق، ج 17، ص 109). از لحاظ دلالتی نیز مانند روایت سابق است یعنی با اطلاقش می تواند مستند قول دوم باشد و به همین سبب نمی تواند مقابل طائفه اول از روایات معارضه کند. توضیح بیشتر آنکه از سایر روایات میتوان تعداد تکبیرات در نماز عید را به دست آورد و این امر را هنگامی که به اطلاق این روایت در مورد قنوت خواندن بین هر دو تکبیر ضمیمه کنیم، قول مشهور حاصل میشود (البته باید این امر را مفروغ عنه فرض کرد که بین تکبیره الاحرام و اولین تکبیر از تکبیرات زائد نماز عید قنوت خوانده نمیشود) ولی از آنجا که این دلالت به اطلاق است مقتضای جمع عرفی همان طور که بیان شد این است که گفته شود مراد قنوت خواندن بین هر دو تکبیر از تکبیرات زائد نماز عید است.

روایت سوم این قول به این صورت است :

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا كَبَّرَ فِي الْعِيدَيْنِ - قَالَ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ... (حرعاملی، 1409ق، ج 7، ص: 468)

دلالت این روایت مانند روایت سابق است و اشکال به این روایت، همان اشکال سابق است. از لحاظ سندی این روایت قابل استناد است زیرا دو نفر در روایت مورد اختلاف هستند یکی ابو جمیله است که همان مفضل بن صالح می باشد که توسط ابن غضائری (ابن الغضائری، 1422ق، ج 1، ص 88) و نجاشی (نجاشی، 1407ق، ص 128) تضعیف شده است ولی با توجه به عدم قبول تضعیفات ابن غضائری به علت اتکای او به متن شناسی و اجتهادی بودن آن ها (زنجانی، 1419ق، ج 1، ص: 266 و ج 3، ص: 945 و ج 4، ص: 1274) و همچنین روایت فراوان صفوان، بزندی و ابن ابی عمیر از او، این تضعیفات حمل بر مساله غلو می شود.

شخص دیگر که در او اختلاف است جابر بن یزید جعفی است ولی با توجه به توثیقات عامه، او ثقة است بلکه بعید نیست همان طور که مرحوم خویی فرموده اند از بزرگان و اجلای شیعه باشد.¹⁰ (خویی، 1409ق، ج 4، ص 344)

روایت چهارمی که می تواند مورد استشهاد این قول باشد، این روایت است:

وَ عَنْهُ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ بَشْرِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقُولُ فِي دُعَاءِ الْعِيدَيْنِ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ - اللَّهُ رَبِّي أَبَدًا. (حرعاملی، 1409ق، ج 7، ص: 469)

این روایت با توجه به عدم توثیق بَشْرِ بْنِ سَعِيدٍ در کتب رجالی، ضعیف است (حتی در کتاب معجم رجال الحديث از او نامی به میان نیامده است) و از لحاظ دلالت نیز مانند روایات سابق است.

3/5- مستند قول سوم:

می توان گفت مستند قول سوم که مرحوم مفید آن را فرموده بودند، همان مستندات قول دوم باشد با این تفاوت که ایشان چون تکبیری که برای قیام گفته می شود را یکی از تکبیرات پنج گانه رکعت دوم به حساب آورده اند و از طرف دیگر قنوت ها بعد از قرائت می باشد، پس بین چهار تکبیر باقی مانده باید قنوت خوانده شود یعنی این که در رکعت دوم سه قنوت خوانده می شود.

4/5- روایات متفرقه

به غیر از این دو طائفه روایت، طائفه سوم نیز وجود دارد که به دو صورت نقل شده است. نقل اول روایت به این صورت است:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ: قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الْعِيدَيْنِ - فَقَالَ أَثْنَتَا عَشْرَةَ سَبْعَةً فِي الْأُولَى - وَ خَمْسَةً فِي الْآخِرَةِ - فَإِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ وَاحِدَةً - تَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ - اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ... اللَّهُ أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرُهُ... اللَّهُ أَكْبَرُ عَظِيمُ الْمَلَكُوتِ... - اللَّهُ أَكْبَرُ خَشَعَتْ لَكَ الْأَصْوَاتُ... اللَّهُ أَكْبَرُ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ حَفِظَكَ... اللَّهُ أَكْبَرُ - وَ تَقَرَأُ الْحَمْدَ وَ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى - وَ تَكْبِرُ السَّابِعَةَ وَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ - وَ تَقُومُ وَ تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الشَّمْسُ وَ ضَحِيهَا - وَ تَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - وَ «1» أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ - اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ - تَتِمُّهُ كُلُّهُ كَمَا قُلْتَهُ أَوَّلَ التَّكْبِيرِ - يَكُونُ هَذَا الْقَوْلُ فِي كُلِّ تَكْبِيرَةٍ - حَتَّى تُتِمَّ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ. وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ مِثْلَهُ. (حرعاملی، 1409ق، ج 7، ص 469)

¹⁰ - أقول: الذي ينبغي أن يقال: إن الرجل لا بد من عدة من الثقات الأجلاء لشهادة ابن قولويه و على بن إبراهيم و الشيخ المفيد في رسالته العددية و شهادة ابن الغضائري، على ما حكاه العلامة و لقول الصادق ع في صحيحة زياد إنه كان يصدق عليهما، و لا يعارض ذلك، قول النجاشي إنه كان مختلطاً، و إن الشيخ المفيد، كان ينشد أشعاراً تدل على الاختلاط، فإن فساد العقل - لو سلم ذلك في جابر، و لم يكن تجننا كما صرح به فيما رواه الكليني في الكافي: الجزء 1، كتاب الحجة 4 باب أن الجن يأتون الأئمة س، فيسألونهم عن معالم دينهم 98، الحديث 7 - لا ينافي الوثاقفة، و لزوم الأخذ برواياته، حين اعتداله و سلامته. (خویی، 1409ق، ج 4، ص 344)

این روایت گرچه از لحاظ سندی معتبر است زیرا می‌توان محمد بن الفضیل را با توجه به اکثر روایت محمد بن اسماعیل بن بزيع و حسین بن سعید اهوازی توثیق نمود (زنجانی، 1419ق، ج 8، ص: 2769) ولی از لحاظ دلالتی دارای اشکال است زیرا در رکعت اول، قنوت را قبل از قرائت آورده است و همچنین برای هر رکعت پنج قنوت ذکر نموده است که این دو مطلب را هیچ یک از علماء قبول ندارند و به آن فتوا نداده اند.

نقل دیگر این روایت به این صورت است:

رَوَى أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ - سَأَلْتُهُ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الْعِيدَيْنِ فَقَالَ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَبْعَ فِي الْأُولَى وَ خَمْسَ فِي الْآخِرَى فَإِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ وَاحِدَةً ثُمَّ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ... عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرُهُ... اللَّهُ أَكْبَرُ عَظِيمُ الْمَلَكُوتِ... اللَّهُ أَكْبَرُ خَشَعَتْ لَكَ الْأَصْوَاتُ... اللَّهُ أَكْبَرُ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ حِفْظُكَ... اللَّهُ أَكْبَرُ وَ تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا وَ تَرْكَعُ بِالسَّابِعَةِ وَ تَقُولُ فِي الثَّانِيَةِ اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ تُتِمُّهُ كُلُّهُ كَمَا قُلْتَ أَوَّلَ التَّكْبِيرِ يَكُونُ هَذَا الْقَوْلُ فِي كُلِّ تَكْبِيرَةٍ حَتَّى تَتِمَّ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ وَ الْخُطْبَةُ فِي الْعِيدَيْنِ بَعْدَ الصَّلَاةِ (ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه؛ ج 1، ص 523-524)

البته این روایت علاوه بر اشکالات دلالتی که بیان آن گذشت، با توجه به عدم ذکر طریق ابوصباح کنانی در مشیخه فقیه، از جهت سند ضعیف است.

5/5- جمع بندی و بررسی روایات

نکته اساسی که برای بررسی و جمع بندی در این بحث باید به آن توجه نمود این است که در بحث جمع بین روایات، بعضی از قواعد اختصاص به احکام الزامی و بعضی اختصاص به احکام غیر الزامی دارند که هر کدام را باید در جای خود به کار برد. (مثلا در موارد استحباب گفته میشود قیود ذکر شده، ظهور در تعدد مطلوب دارند لذا در فرض عدم وجود بعضی از قیود، استحباب سایر موارد را میتوان استفاده نمود مثلا در روایت زیارت جامعه کبیره آمده است که با غسل زیارت انجام شود ولی میتوان مطلوبیت زیارت بدون غسل را نیز استفاده نمود).

در مورد اصل نماز عید باید گفت در اصل واجب بوده است (العروة الوثقی (المحشی)، ج 3، ص: 116) و از همین روی قواعدی که اختصاص به ابواب و موارد غیر الزامی دارند، در این بحث جریان ندارد. ولی نسبت به قنوت های نماز عید میان فقیهان شیعه اختلاف میباشد. مشهور فقیهان قائل به وجوب انجام قنوت و تکبیرات میباشد (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج 11، ص: 360؛ معتصم الشیعة فی احکام الشریعة، ج 3، ص: 131؛ ریاض المسائل (ط - الحديث)، ج 3، ص: 393؛ غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام، ج 3، ص: 32؛ مناهج الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام، ص: 358؛ العروة الوثقی (المحشی)، ج 3، ص: 396) بلکه ادعای اجماع بر آن شده است (الانتصار فی انفرادات الإمامیه، ص: 171) و دلیلی که بر وجوب انجام قنوت اقامه شده است ظاهر نصویست که امر به انجام قنوت نموده اند (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج 11، ص: 360؛ ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، ج 4، ص: 184؛ موسوعة الإمام الخوئی، ج 19، ص: 316) حال با توجه به این امر دیگر مجالی برای تمسک به بعضی از وجوهی که اختصاص به مباحث غیر الزامی دارند نیست مثلا نمیتوان گفت که با قاعده تسامح در ادله سنن میتوان برای قول مشهور (پنج قنوت در رکعت اول و چهار قنوت در رکعت دوم) دلیل آورد یا اینکه گفته شود که روایاتی که تعداد مختلفی را برای قنوت ها بیان میکند با یکدیگر تنافی ندارد زیرا قنوت امری مستحب است و کم و زیاد کردن آن مضر به نماز نیست و...

بلکه حتی اگر بپذیریم قنوت نماز عید مستحب است نمیتوان گفت چون اصل قنوت مستحب است، جمع عرفی اینگونه است که حمل بر تاکید در استحباب شود و تنافی وجود ندارد؛ و یا اینکه بنا بر وجوب قنوت در نماز در مقام جمع بیان شود که هر دو نحوه اقامه نماز امکان دارد، زیرا مانع اساسی برای چنین جمع هایی این است که برای قول مشهور روایت معتبری وجود نداشت تا بخواهیم چنین جمعی انجام دهیم. حاصل آنچه گذشت این بود که چند روایت معتبر دلالت بر این داشتند که تعداد قنوت های رکعت اول چهار و رکعت دوم سه قنوت می باشد و روایتی در مقابل این روایات توانایی معارضه نداشت و بیان شد که روایات معارض با قول مختار، قابل توجیه هستند فلذا نمی توانند دلیل مخالف قول مختار باشند.

5- بررسی احتمال تقيه

از لحاظ علم اصول اصل عدم تقيه که یک اصل عقلائی است در تمامی روایات صادره از معصومین علیهم السلام جاری می‌باشد و تا زمانی که دلیل و قرینه ای خاص بر تقيه وجود نداشته باشد و یا آنکه دو طائفه از روایات با یکدیگر معارضه کنند به نحوی که جمع عرفی بین آن دو طائفه وجود نداشته باشد از این اصل عقلائی دست کشیده نمی‌شود. در بحث مورد بررسی ما نیز با توجه به اینکه از لحاظ جمع عرفی تکلیف واضح و روشن است مجالی برای احتمال تقيه وجود ندارد ولی با توجه به اینکه عده زیادی از فقیهان قول دیگری را برگزیده اند احتمالی که مطرح میشود این است که شاید این دسته از فقیهان قرینه ای داشته اند که روایات مورد استدلال ما را حمل بر تقيه مینموده اند. حال برای اتقان مطلب و روشن شدن احتمال وجود قرینه به نحو مختصر به بیان اقوال عامه میپردازیم:

در موسوعه فقهیه کویتیه نسبت به کیفیت اداء نماز عیدین ذکر شده است که این نماز مانند سایر نمازهای مشروع است و تنها در سه امر (لزوم جماعت خواندن، جهر در قرائت و زائد داشتن سه تکبیر در هر رکعت) با سایر نمازها متفاوت است (نسبت به تکبیرات تفاوتی نمیکند که دست ها را بلند کنند یا نکنند و قبل یا بعد از قرائت باشد و همراه با اشتغال به تسبیح باشد یا نباشد).¹¹ بعد از بیان این کلام ابتدایی در این موسوعه آمده است:

اما در مورد وجوب این تکبیرات و محل آن و تعداد آن اختلاف واقع شده است. شافعیه میگویند هفت تکبیر در رکعت اول بین تکبیره الاحرام و شروع قرائت (قبل از قرائت تکبیرات انجام میشود) و پنج تکبیر در رکعت دوم بین تکبیر قیام (هنگام برخاستن) و شروع قرائت انجام میشود. مالکیه و حنابلّه قائل هستند که شش تکبیر در رکعت اول بعد از تکبیره الاحرام و پنج تکبیر در رکعت دوم بعد از قیام قبل از قرائت خوانده شود. (وزاره الاوقاف، الموسوعة الفقهية الكويتية (245/ 27))

برای نقل دقیقتر کلمات و اقوال و همچنین عدم اکتفا به بیان مذاهب چهار گانه لازم است کلام ابن قدامه را بررسی نماییم. ایشان قول به انجام هفت تکبیر در رکعت اول (با در نظر گرفتن تکبیره الاحرام و بدون در نظر گرفتن تکبیر رکوع) و پنج تکبیر در رکعت دوم (بدون در نظر گرفتن تکبیر هنگام بلند شدن) را به تعداد زیادی از علما نسبت می‌دهد. قول دومی که نقل می‌کند این است که در رکعت اول هفت تکبیر غیر از تکبیره الاحرام باید انجام شود. قول سومی که نقل میکند انجام هفت تکبیر در هر دو رکعت است و قول چهارم انجام سه تکبیر در هر رکعت است. (ابن قدامه، المغنی، ج 2، ص 282).

از بررسی اقوال عامه واضح شد که روایات قول مختار (چهار قنوت در رکعت اول و سه قنوت در رکعت دوم) خلاف قول عامه می‌باشد و از این جهت نمی‌توان به آن اشکال نمود.

نکته دیگری که مانع حمل این روایات بر تقيه میشود این است که گرچه تکبیرات اضافی در نماز عیدین از طرف عامه پذیرفته شده است ولی مساله خواندن قنوت در نماز عید در کلمات ایشان در ذیل بحث از نحوه اقامه نماز عیدین معمولاً ذکر نشده است بلکه شافعی قنوت را در نماز عید جایز نمیداند (شافعی، الأم، ج 1/ 272)¹²⁻¹³ و قول به عدم جواز خواندن قنوت در نماز عید به مشهور نسبت داده شده است. (الروای، بحر المذهب ج 2/ 467) و این در حالیست که در بسیاری از روایاتی که گذشت و مورد استناد قول مختار بود، قنوت وارد شده بود.

نتیجه آنکه باید گفت به هیچ وجه احتمال تقيه ای بودن روایات قول مختار وجود ندارد.

¹¹ - منابعی که در کتاب موسوعه الفقهیه الكويتیه ذکر شده عبارتند از: الدر المختار وحاشیة ابن عابدین علیه 1/ 584، 585، والهدایة 1/ 60، والبدائع 1/ 277. آدرس مطلب فوق در کتاب ابن عابدین در چاپی که در دسترس نویسندگان بود، به این صورت یافت شد: ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ج 2، ص 172.

¹² - والركوع والسجود والشهد في صلاة العیدین كهو في سائر الصلوات لا يختلف ولا قنوت في صلاة العیدین ولا الاستسقاء

¹³ - همچنین رجوع شود به: الامام النووي، المجموع شرح المذهب ج 3/ 494

6- بررسی تاریخی مساله و توجه به حکومتی بودن نماز عید

یکی از اموری که در مساله نماز عید به ذهن خطور میکند این است که توجه به گزارشات تاریخی شاید بتواند برای حل مساله راه گشا باشد مخصوصاً آنکه نماز عید جنبه حکومتی داشته است و از دیرباز حکومت ها یکی از اختیارات خود را برگزاری این نماز میدانسته اند. اما واقع آن است که گرچه مراجعه به گزارشات تاریخی در بسیاری از مسائل فقهی راهگشا است و فقیه ناگزیر از ملاحظه و بررسی کتب تاریخی است ولی در امثال این مساله که جنبه فقهی در آن بسیار قوی است میتوان اختلافات تاریخی را در کتب فقهی یافت (گرچه برای تکمیل بحث ممکن است نیاز به مراجعه مستقیم به تاریخ شود) توضیح آنکه در مواردی که حدود و ثغور یک مساله فقهی محل نزاع است، کتبی که به طور خاص برای بررسی مسائل فقهی وضع شده اند به نحو کاملتری به مساله میپردازند و دقت های ملاحظه شده در این کتب بسیار بیشتر و دقیقتر از کتب تاریخ است. البته اگر نکته تاریخی در بحث باشد معمولاً کتب فقهی به آن اشاره مینمایند و میتوان بحث را پیگیری نمود.

در بحث نماز عید نیز وقتی به کتب تاریخ مراجعه میکنیم میبایم که بعضی از اختلافات در تاریخ گزارش شده است (البته گزارشات دقیقتر و کاملتر در روایات و همچنین فقه منعکس شده است) مثلاً تقدیم خطبه بر نماز از بدعت های بنی امیه لعنهم الله شمرده شده است (رجوع کنید: کتاب سیر أعلام النبلاء - ط الرسالة؛ شمس الدین الذهبی؛ ج 9 ص 56؛ کتاب تاریخ الطبری = تاریخ الرسل والملوک، وصله تاریخ الطبری؛ أبو جعفر ابن جریر الطبری؛ ج 7 ص 357) البته در همین امر نیز کتب روایی و فقهی دقیقتر و قابل اعتمادتر هستند (رجوع کنید به: صحیح مسلم / ج 2 / 605؛ صحیح مسلم / ج 2 / 605؛ سنن الترمذی؛ ج 2؛ ص 319؛ کتاب الأم للشافعی - ط الفکر؛ ج 1 ص 269؛ المحلی بالآثار ج 1 ص 78)

به هر حال در مورد تعداد قنوت های نماز عید چیزی در کتب تاریخ یافت نشد. بلی نسبت به تعداد تکبیرات گزارشی موجود است که میگوید بنی العباس هنگامی که بر امور مسلط شدند بر خلاف بنی امیه عمل نمودند و نماز عید را بدون اذان و اقامه اقامه کردند در حالی که خطبه ها را بعد از نماز ایراد نموده و در رکعت اول هفت تکبیر و در رکعت دوم پنج تکبیر گفته شد، ولی نسبت به قنوت بیانی ذکر نشده است (کتاب تاریخ الطبری = تاریخ الرسل والملوک، وصله تاریخ الطبری، أبو جعفر ابن جریر الطبری، ج 7 ص 357)

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت روشن شد چند روایت که از لحاظ سندی معتبر و از لحاظ دلالتی تام هستند بر این امر دلالت داشتند که تعداد قنوت های رکعت اول چهار و رکعت دوم سه قنوت می باشد و از آنجا که روایتی در مقابل این روایات تاب معارضه نداشت، قول مختار این است که تعداد قنوت های رکعت اول چهار و رکعت دوم سه قنوت است، و در مقابل این قول اجماعی وجود نداشت و همچنین احتمال تقیه در این نظر وجود ندارد.

منابع

القرآن الکریم

- 1) ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، 1423ق
- 2) ابن حزم؛ أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم الأندلسی؛ المحلی بالآثار؛ دار الفکر - بیروت، بی تا
- 3) ابن عابدین، محمد أمین بن عمر بن عبد العزیز عابدین الدمشقی الحنفی، رد المحتار علی الدر المختار، الطبعة الثانی، دار الفکر، بیروت، 1412هـ - 1992م
- 4) ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال (ابن الغضائری)، 1 جلد، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، 1422 ه.ق.
- 5) ابن قدامه، عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعیلی المقدسی، المغنی، مکتبة القاهرة، 1388هـ - 1968
- 6) أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، المجموع شرح المذهب (مع تکملة السبکی والمطیعی)، بیروت، دار الفکر، 1417ق - 1996م
- 7) اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، 11 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، 1416 ه.ق

- (8) بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، 25 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، 1405 هـ ق
- (9) بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، 11 جلد، جمهوری مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة - مصر - قاهره، چاپ: 2، 1410 هـ ق.
- (10) تبریزی، جواد بن علی، منهاج الصالحین (للتبریزی)، 2 جلد، مجمع الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه)، قم، اول، 1426 هـ ق
- (11) ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، 6 جلد، دار الحديث - مصر - قاهره، چاپ: 1، 1419 هـ ق.
- (12) حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحديث)، 16 جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، 1418 هـ ق
- (13) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، 1409 ق
- (14) حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، 14 جلد، مؤسسه دار التفسیر، قم، اول، 1416 هـ ق
- (15) حکیم، سید محسن طباطبایی، منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، 2 جلد، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، اول، 1410 هـ ق
- حلبی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، 1417 هـ ق
- (16) حلبی، ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، در یک جلد، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، اصفهان، اول، 1403 هـ ق
- (17) حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، 3 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، 1410 هـ ق
- (18) حلّی، سید ابن طاووس، رضی الدین، علی، الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديث)، 3 جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، اول، 1415 هـ ق
- (19) حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحديث)، 6 جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، 1420 هـ ق
- (20) حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، 2 جلد، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم، ششم، 1418 هـ ق
- (21) خراسانی، حسین وحید، منهاج الصالحین (للوحد)، 3 جلد، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، پنجم، 1428 هـ ق
- (22) خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، 2 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، هشتم، 1424 هـ ق
- (23) خوئی، سید ابوالقاسم، 1409 ق، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، قم، مدینه العلم
- (24) خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوئی)، 2 جلد، نشر مدینه العلم، قم، 1410 هـ ق
- (25) خویی، سید ابو القاسم موسوی، موسوعة الإمام الخوئی، 33 جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم، اول، 1418 هـ ق
- (26) دیلمی، سلار، حمزة بن عبد العزیز، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، در یک جلد، منشورات الحرمین، قم، اول، 1404 هـ ق
- (27) ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي (ت ۷۴۸ هـ) سیر أعلام النبلاء؛ مؤسسه الرسالة، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م
- (28) الرویانی، أبو المحاسن عبد الواحد بن إسماعیل، بحر المذهب، المحقق: طارق فتحی السید، دار الکتب العلمیة الطبعة الأولى، 2009 م
- (29) زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح (زنجانی)، 25 جلد، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم، اول، 1419 هـ ق
- (30) سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن، کفایة الأحکام، 2 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، 1423 هـ ق
- (31) شافعی، محمد بن ادریس، الأم، دار الفكر، بیروت، 1400 هـ - 1980 م
- (32) شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، 1415 هـ ق
- (33) شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، جمل العلم و العمل، در یک جلد، مطبعة الآداب، نجف اشرف، اول، 1387 هـ ق
- (34) طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، المذهب (لاین البراج)، 2 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، 1406 هـ ق
- (35) طوسی، محمد بن حسن، 1356 ق، الفهرست، نجف، المكتبة الرضویة

- (36) طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد (للشیخ الطوسی)، در یک جلد، انتشارات کتابخانه جامع چهلستون، تهران، اول، 1375 هـ ق
- (37) طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، 8 جلد، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، سوم، 1387 هـ ق
- (38) طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، در یک جلد، دار الكتاب العربی، بیروت، دوم، 1400 هـ ق
- (39) طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، 10 جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.
- (40) طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی (جامعه مدرسين)، 1 جلد، مؤسسه النشر الإسلامی - قم، چاپ سوم، 1373 هـ ش.
- (41) طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، در یک جلد، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی - ره، قم، اول، 1408 هـ ق
- (42) عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - الحديث)، 23 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، 1419 هـ ق
- (43) عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، 4 جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، 1419 هـ ق
- (44) عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیه، در یک جلد، دار التراث - الدار الإسلامیة، بیروت، اول، 1410 هـ ق
- (45) عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، 15 جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، اول، 1413 هـ ق
- (46) عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، 8 جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، اول، 1411 هـ ق
- (47) قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، 4 جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، 1413 هـ ق
- (48) کابلی، محمد اسحاق فیاض، تعالیک مبسوطه علی العروة الوثقی (للفیاض)، 9 جلد، انتشارات محلاتی، قم، اول، هـ ق
- (49) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1407 ق
- (50) کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، 1416 هـ ق
- (51) گیلانی، میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، مناهج الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، 1420 هـ ق
- (52) گیلانی، میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام، 6 جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، اول، 1417 هـ ق
- (53) مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، 5 جلد، دار الحديث - مصر - قاهره، چاپ: 1، 1412 هـ ق.
- (54) مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه الله علیه، قم، چ اول، 1413 ق.
- (55) مفید، محمد بن محمد، المقنعة، 1 جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه - قم، چاپ: اول، 1413 ق
- (56) نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، 1407 ق
- (57) نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، 43 جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، هفتم، 1404 هـ ق
- (58) وزارة الأوقاف والشئون الإسلامیة، الموسوعة الفقهیة الكويتیة، عدد الأجزاء: 45 جزء، الطبعة (من) 1404 - 1427 هـ
- (59) یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی (المحشی)، 5 جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول، 1419 هـ ق